

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مطالب گذشته

در قسم دوم از اقسام ثلاثه عبادات مکروهه، هم نظریه آخوند(ره) را ملاحظه فرمودید و هم نظریه مرحوم نائینی(ره) را. در کتاب منتقى الاصول(جلد 3، صفحه 131) اشکالاتی را بر مرحوم نائینی(ره) وارد کرده‌اند، که ملاحظه فرمودید که، آن اشکالات وارد نبود.

نقد و بررسی نظریه مرحوم نائینی (ره)

بعد این نظریه را داده‌اند که، در این صلاه در حمام، نهی، همان نهی مولوی است و عنوان کراهتی دارد ولی نهی به این فرد تعلق پیدا نکرده، بلکه به تقید این فرد به خصوصیت، تعلق پیدا کرده‌است. يك صلاه داریم که، متعلق برای امر و مأمور به است و يك فرد داریم که، عبارت از «كون في الحمام» است. این فرد، خودش متعلق برای نهی نیست، بلکه متعلق برای نهی «إيقاء الصلاه في الحمام» است، تقید این کون في الحمام یا تقید صلاه به این خصوصیت، متعلق برای نهی واقع شده، خود ایقاع صلاه در حمام، این ایقاعش منهی عنه است و کراهت دارد. این بیان جوابش روشن است و آن این که، در باب اوامر و نواهی، متعلق آن چیزی است که، عرف بتواند آن را بفهمد. عرف در اینجا غیر از صلاه و کون في الحمام، چیز دیگری را متوجه نمی‌شود. تقید فرد به خصوصیت، متعلق نیست که، عرف بتواند آن را ادراک کند. بنابراین این نظریه که بگوییم: متعلق نهی عبارت از «إيقاء الصلاه في الحمام» است، نظریه درستی نیست.

نظر استاد محترم در قسم دوم عبادات مکروهه

در قسم دوم آنچه که در ذهن تقویت می‌شود، عبارت از ارشادی بودن است. يك نکته را دقت بفرمایید و آن این که، در باب ارشادی بودن، لازم نیست در این فردی که واقع می‌شود، يك منقصت و مفسده‌ای وجود داشته‌باشد. مثلاً در صلاه در دار، اگر مولا گفت: صلاه در دار نخواند، «لا صلاه لجار المسجد، الا في المسجد»، معنایش این نیست که، اگر کسی در خانه نماز خواند، در این نماز در دار، مفسده‌ای و منقصتی وجود دارد. در خود این صلاه در دار، اگر مولا گفت: «لا صلاه لجاري المسجد الا في المسجد»، نمی‌توانیم بگوییم که: اگر نمازش را در منزل خواند، يك منقصتی و مفسده‌ای در اینجا وجود دارد، بلکه شارع برای احترام مسجد و اینکه شخص این فضیلت را هم از دست ندهد، او را ترغیب به حضور در مسجد می‌کند. اما این معنایش این نیست که، اگر در دار نماز خواند، منقصت و مفسده

وجود دارد.

مرحوم آخوند(ره) در جواب دومی که در این قسم دوم داده، مرزبندی کرده، فرموده‌اند: يك صلاه در دار داریم که، «لا فیها مزیت و لا فیها منقصت»، آنوقت اقلیت و اکثریت ثواب را، نسبت به آن می‌سنجیم، می‌گوییم: صلاه در حمام، ثوابش از صلاه در خانه کمتر است، صلاه در حمام منقصت دارد و اقل ثواباً هست.

عرض ما این است که، این را از کجا آوردید؟ این مرزبندی را گاهی در روایات داریم، دلیل روشنی داریم که صلاه در دار، حد وسطی برای مصلحت صلاتیت است، اگر از این کمتر شد، می‌شود اقل ثواباً، اگر بیشتر شد، می‌شود اکثر ثواباً. اما برای این معنا، دلیل که نداریم.

نقضی که آوردیم که، شارع می‌تواند به کسی که خانه او در کنار مسجد است، بفرماید: «لا تصل فی دارک، لا صلاه لجار المسجد الا فی المسجد»، یعنی از آخوند و مرحوم نائینی(قدس سرهما) سوال می‌کنیم، در این مورد چه بیانی دارید؟ آیا می‌فرمایید: نماز در دار منقصت دارد؟ این را که آخوند(ره) به عنوان مرز قرار داده و نمی‌شود بگوییم: منقصت دارد.

پس اگر نهی، ارشادی شد، که در این مسجد علاوه بر صلاتیت، عنوان دیگری وجود دارد که، ثوابی را به ثواب صلاتیت ضمیمه می‌کند. یعنی صلاه در مسجد، با صلاه در خانه، صلاه در حمام، از نظر ماهیت و مقدار مصلحت صلاتیت هیچ فرقی نمی‌کند. اگر در خانه بود، همان مصلحت صلاتی است، اگر رفتیم در مسجد، مصلحت دیگری، که آن هم، موضوع برای ثواب است، به مصلحت صلاتیت ضمیمه می‌شود، نه اینکه ماهیت و جوهره مصلحت صلاتیت در مسجد، ماهیت و مصلحت بیشتری دارد، بلکه مصلحت برای «کون فی المسجد» است.

کسی که در مسجد الحرام می‌نشیند، حضور در مسجد الحرام دارد، این يك مصلحتی دارد و اگر در آنجا نماز خواند، مصلحت «کون فی المسجد»، به مصلحت صلاتیت ضمیمه می‌شود، نه اینکه نفس صلاه مصلحت بیشتری در اینجا پیدا کند.

در نتیجه اگر شارع از صلاه در حمام نهی می‌کند، به این دلیل نیست که، این صلاه مصلحتش کمتر است. به نظر ما صلاه در حمام با صلاه در دار و صلاه در مسجد، از نظر ماهیت و مصلحت صلاتیت، هیچ فرقی بینشان وجود ندارد. نهی از صلاه در حمام ارشاد به این است که، ضمیمه‌ای برای صلاه قرار ده، که خودش دارای مصلحت و موضوع برای ثواب باشد. لذا این ملازم با کراهت به معنای مفسده و منقصت نیست.

لذا بعد از اینکه کلام نائینی و آخوند(قدس سرهما) و این نظریه سوم را مخدوش کردیم، می‌گوییم: نهی صلاه در حمام، به معنای کراهت مولوی نیست، بلکه ارشادی است.

ارشاد هم معنایش این نیست که، ماهیت صلاه در حمام، از ماهیت صلاه در خانه، اقل مصلحتاً و ثواباً هست، از نظر ماهیت فرقی نمی‌کنند. اگر به عرف هم مراجعه کنید، می‌گوید که: نماز، نماز است، چه در حمام، یا در خانه و یا در مسجد. شارع برای این می‌گوید: در حمام نماز نخوان، که می‌توانم به جای نماز در حمام، در مسجد نماز بخوانم، که عنوان دیگری، که موضوع برای ثواب است، هم ضمیمه می‌شود. اما به این معنا که، اگر در حمام نماز خواندم، اقل ثواباً شود، نیست.

محورهای برای مطالعه بر نظر استاد محترم

این مطلبی است که عرض کردیم، جایی ندیدم، دقت بفرمایید، مطالعه کنید که، آیا اشکال دارد یا می‌توان پذیرفت؟ اسراری بر این عرض ندارم، با فکر زیاد به این نتیجه رسیدم، شما هم در باره‌اش فکر کنید.

چند محور را برای مطالعه خود قرار دهید؛ یکی اینکه اصلاً از جهت ماهیت صلاتیت، که چه بسا کسی که، در حمام نماز می‌خواند، حضور قلب بیشتری دارد و شاید ثوابش هم، از نماز در خانه بیشتر باشد، ولی خود مصلحت اصلی صلاه، یعنی به مقارنات و این چیزها اصلاً کاری نداریم، اصلاً به متشرعه هم بگویید، می‌گویند: نماز در مسجد، حمام، خانه، نماز، نماز است. در باب نماز جماعت، اگر همین نماز، به صورت جماعت واقع شد، باز می‌گویید: آن مصلحت اصلی صلاه بیشتر می‌شود، نه بلکه انضمام است، یعنی وقت جماعت انضمام پیدا کرد، عنوان جماعت، عنوانی است که، برای شارع مطلوب است و الا شاید در نماز فرادا حضور قلب بیشتری دارند، با این حال نماز جماعت ثوابش بیشتر است، چون عنوانی به نام جماعت به آن منظم می‌شود.

خود صلاه مصلحتي دارد که به اختلاف امکنه و ازمنه، هیچ فرقي نمي‌کند. بلكه اگر در اول وقت واقع شد، اين عنوان مصلحت را مضاعف مي‌کند. صلاه اول وقت، رضوان الله است، آخر وقت هم غفران الله است، ولي ثواب نماز آخر وقت، از اول وقت خيلي کمتر است، اما از نظر مصلحت صلاتي، بين اينها فرقي وجود ندارد، اگر فرق داشت، نبايد مسقط تکليف باشد. وقتي مي‌گوئيد: هر دو به عنوان واجب واقع مي‌شود، نتيجه‌اش اين است که، آن مقدار مصلحت ملزمه که در نماز اول وقت هست، در نماز آخر وقت هم هست، آن مقدار مصلحت ملزمه که در نماز در خانه هست، در نماز در حمام هم هست، در نماز در مسجد هم هست.

عرضم همين مصلحت ملزمه است، آيا بين اين نمازها، از نظر مصلحت ملزمه، مصلحتي که به حد الزام و وجوب رسيده، فرق وجود دارد؟ فرق راجع به مقارنات و ملازماتش است، لذا نمي‌توانيم بگوئيم: خود نماز اقل مصلحتاً هست. ارشاد به عدم تفويت آن است، نه اينکه خودش نقصان دارد.

پس نهي در صلاه در حمام، نه عنوان کراهت اصطلاحي دارد، که بگوئيم در متعلقش مفسده است، نه با نظر به ذات صلاه، اقل ثواباً هست، نه ذات صلاه، با ذات صلاه در مسجد فرقي مي‌کند. فقط اگر در حمام نماز خواندي، مصلحت ديگري از دستت مي‌رود، اين ارشاد به عدم تفويت آن مصلحت است.

عدم تفويت مصلحت در اینجا، ملازمه با نقصان ندارد و لذا هیچ کس نمي‌گويد: در نفس کون در حمام کراهت وجود دارد، شاهدش هم «لا تصلي في دارك» است، کسي که خانه‌اش کنار مسجد است، اين نهي ارشادي مي‌آيد و يا نهي از نماز در آخر وقت، براي کسي که مي‌تواند اول وقت نماز بخواند. تمام اين موارد وقتي عنوان ارشادي شد، خودمان ملاك قطعي را پيدا مي‌کنيم و به همه اين موارد تسري مي‌دهيم.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ